

## خانواده و عوامل پایداری آن از منظر قرآن

عنایت الله شریفی<sup>□</sup>

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۲ تاریخ تصویب: ۹۱/۶/۱)

### چکیده

خانواده از نظر قرآن، نهادی است مقدس که همگان را برای تشکیل آن فراخوانده است و برای پایداری و استحکام هرچه بیشتر آن، تدابیری اندیشیده و دستورالعمل‌هایی را تبیین کرده است. در این نوشتار، سعی بر آن است که عوامل استحکام و پایداری خانواده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. رعایت اصول اخلاقی و ارزش‌ها همانند پارسایی و دین‌داری، بهره‌مندی از فضایل اخلاقی، همتایی و تناسب و اصالت خانوادگی در انتخاب همسر، مودت و مهرورزی زن و شوهر نسبت به یکدیگر، مسؤلیت‌پذیری اعضای خانواده خصوصاً مواظبت و مراقبت در امور اعتقادی و اخلاقی، کنترل تمایلات جنسی و جهت‌دهی آن به نظام همسری، رعایت وظایف اخلاقی نسبت به یکدیگر، رعایت حقوق در میان اعضای خانواده، کاهش اختلافات خانوادگی و حل عادلانه و عادلانه اختلافات از مهم‌ترین عوامل استحکام و پایداری خانواده از منظر قرآن کریم است.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده، پایداری خانواده، قرآن، ازدواج، اخلاق خانواده.

## مقدمه

خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیر بنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در تاریخ بشر بوده است، پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی‌اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است.

بعد از انقلاب صنعتی غرب و انقلاب کبیر فرانسه، ظهور جریان‌های فمینیسم و متعاقب آن تصویب کنوانسیون رفع تبعیض بر ضد زنان و قوانینی در این راستا، ضربه اساسی و مهلکی بر پیکر خانواده در غرب وارد شد. عوارضی همچون ایدز، اعتیاد، افزایش طلاق، ظهور فرزندان بی‌هویت در اثر رواج بی‌بندوباری جنسی و متعاقب آن ارتکاب جرایم و مفسد اجتماعی - اخلاقی از سوی چنین افرادی و پیدایش خانواده بدون فرزند خانواده‌های تک والدینی، خانواده تک جنسیتی، خانواده دو جنسیتی (انسان و حیوان) جامعه را دچار تشنج و بحران ساخته است.

در شرایط کنونی همه دلسوزان جوامع مختلف در تلاش‌اند که راهکار اساسی، سالم‌سازی خانواده‌ها و حفظ و استحکام بنیان آن را در یابند و در این راستا، بازگشت به قرآن کریم به‌عنوان کتاب زندگی انسانی ضروری است. از این رو، مهم‌ترین سؤال در این پژوهش این است که قرآن به‌عنوان کتاب زندگی، چه عواملی را برای پایداری و استحکام خانواده، تبیین کرده است؟ و چه تدابیری برای آن اندیشیده و چه راه‌کارها و دستورالعمل‌هایی را ارائه کرده است؟

به نظر می‌رسد قبل از پاسخ‌گویی به این سؤال، اشاره‌ای به اهمیت و ضرورت تشکیل خانواده، داشته باشیم.

## ضرورت و اهمیت تشکیل خانواده

خانواده نهاد مقدسی است که قرآن، برای تشکیل و قداست آن، اهمیت ویژه‌ای قائل است و همگان را برای ازدواج فرا خوانده و به آن تشویق نموده است:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِبُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه» (نور: ۳۲).

این آیه به همه پدران و والدین تأکید می کند که باید به امر ازدواج دختران و پسران مجرد همت گمارند و آنان را دعوت به ازدواج کنند، تنها به دلیل مشکلات از تشکیل خانواده نهراسند؛ چرا که خداوند وعده گشایش داده است.

از پیامبر خدا نقل شده است که هر کس آیین فطری مرا دوست دارد به سنت من گرایش پیدا کند و نکاح از سنت من است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۲۰) نیز فرمود: ای جوانان هر کس قدرت جنسی دارد، ازدواج کند، زیرا ازدواج، برای حفظ چشم و فرج، بهتر است و هر کس توانایی مالی ندارد، روزه بگیرد. زیرا روزه برای او شکننده شهوت است (همان). از سعید بن جبیر نقل است که ابن عباس در سفر حج بمن برخورد. از من پرسید: ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: نه. گفت: برو ازدواج کن. سال دیگر به من برخورد، پرسید: ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: نه. گفت: برو ازدواج کن. زیرا بهترین این امت، یعنی پیامبر، از همه بیشتر زن داشت (همان).

ابوهریره گوید: اگر یک روز از دنیا مانده باشد، خدا را به همراه همسر ملاقات می کنم. از پیامبر خدا شنیدم که: بدترین شما، مجردین شماست و فرمود: کسی که دارای فرزندی است و قادر است که او را همسر بدهد و نهد و حادثه‌ای پیش آید، گناه او بر هر دوی ایشان است (همان). او همچنین فرمود: چهار طائفه‌اند که خداوند آنها را لعن می کند: کسی که برای فرزنددار نشدن ازدواج نکند و مردی که خود را شبیه زنان کند و زنی که خود را شبیه مردان کند و کسی که مردم را گمراه کند. یعنی آنها را مسخره کند و به بیچاره‌ای بگوید: بیا تا تو را عطا کنم. وقتی که آمد، به او بگوید: چیزی ندارم و به نابینا بگوید: از حیوانی که جلویت هست احتیاط کن و حال آن که حیوانی نیست و به کسی که سراغ خانه‌ای می گیرد، نشان غلط می دهد. (همان).

استحکام و پایداری خانواده، منوط به تحقق شاخص‌هایی است که اعضای خانواده باید آنها را رعایت کنند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

### ۱. رعایت اصول و ارزش‌ها در انتخاب همسر

پیوند زناشویی و ازدواج مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها است که ممکن است در هر فرهنگی متفاوت باشد. در فرهنگ اسلامی لازم است ارزش‌های خاصی در انتخاب همسر رعایت شود که عدم توجه به آنها می‌تواند آینده زندگی را به خطر اندازد و یا کار آمدی لازم را از آن بستاند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

#### الف) پارسایی و دینداری

دین‌داری و تقوا از معیارهای مهم در انتخاب همسر است و هر اندازه این ویژگی قوی‌تر باشد، رعایت حدّ و حدود شرعی کامل‌تر و پای بند به اصول خانواده بیشتر خواهد بود و هرچه ضعیف‌تر باشد به همان اندازه می‌تواند به استحکام و پایداری خانواده آسیب برساند.

تقوا دارای درجاتی است که کمترین درجه آن انجام واجبات و ترک محرمات است. دختران و پسران جوان باید بدانند کسی که در برابر خدای جهان و خالق هستی کرنش نکرد و به دستورات او بی‌اعتنایی نمود، در برابر همسرش کرنش نخواهد کرد و ارزشی برای او قائل نخواهد شد.

بر اساس آیات قرآن، «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند، قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هرچند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند، قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هرچند شما را به شگفت آورد، آنان شما را به سوی آتش فرا می‌خوانند و خدا به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، شاید متذکر شوید» (بقره: ۲۲۱).

هر چند این آیه درباره ازدواج پسران و دختران آزاد مسلمان با دختران و پسران آزاد مشرک است، ولی هشداری به دختران و پسرانی است که گاه سخت شیفته و شیدای جمال و زیبایی ظاهری یا موقعیت مادی و اجتماعی دختران و پسران می‌شوند و

ارزش‌های و دینی و معنوی را فدا می‌سازند و در روایات نیز به مسأله دین‌داری تأکید شده است.

رسول خدا(ص) فرمود: «اگر مردی که اخلاق و دینش را می‌پسندید درخواست ازدواج کرد او را همسر دهید. اگر چنین نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید آید» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴، ۳۱).

او همچنین فرمود: «با زن به خاطر چهار خصلت ازدواج می‌شود: به خاطر مالش، دینش، زیبایی‌اش، و حسب و نسب خانوادگی، تو به خاطر دینش ازدواج کن» (همان).

### ب) آراستگی به فضایل اخلاقی

آمار نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عواملی که همسران را از هم جدا می‌کند و به طلاق می‌کشانند، بداخلاقی و بی‌بهره‌گی از فضایل اخلاقی است. بنابراین بهترین راه مقابله با این آسیب، انتخاب همسری خوش‌اخلاق می‌باشد. منظور از اخلاق نیک، تنها «خنده‌رویی» و خوش‌خُلُقی اصطلاحی نیست؛ زیرا خندیدن در بعضی از مواقع، نه تنها مطابق اخلاق نیست، بلکه خلاف اخلاق است و منظور از اخلاق نیک، «صفات و خُلُق و خویهای پسندیده از نظر عقل و شرع» می‌باشد.

قرآن کریم در ماجرای موسی (ع) با دختران شعیب می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا بَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۵)؛ یکی از آن دو دختر گفت: پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است).

از این آیه استفاده می‌شود که شخصیت اخلاقی و رفتاری دختران شعیب و روح فتوت و جوانمردی، امانت‌داری، موسای جوان در ازدواج آنان موثر بوده است.

در روایات نیز ازدواج با مردان بداخلاق نهی شده است. شخصی می‌گوید از امام رضا (ع) در نامه‌ای پرسیدم کسی از خویشاوندانم از دخترم خواستگاری کرده است. اما او اخلاق بد دارد، امام فرمود: اگر بداخلاق است با او وصلت نکن. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰، ۲۳۵).

در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: «دختر خود را هرگز به شراب‌خوار ندهید و گرنه مانند این است که او را به سوی زنا سوق داده باشید» (همان: ۶۳، ۴۹۱).

### ج. همتایی و تناسب

ازدواج نوعی ترکیب بین دو انسان و خانواده است، زندگی مشترک، یک پدیده مرکب است که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می‌باشند هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، هم فکری، تناسب شخصیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد این ترکیب، استوارتر، محکم‌تر، پرمثمرتر، شریف‌تر، لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (نور: ۲۶)؛ زنان پلید برای مردان پلید، مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک، اینان از آنچه درباره‌شان می‌گویند برکنارند، برای آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود».

در آیه دیگر می‌فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (نور: ۳)؛ مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و بر مؤمنان این‌گونه حرام است».

همتایی و تناسب دارای ابعاد مختلفی است؛ از جمله همتایی و تناسب دینی و ایمانی؛ همتایی و تناسب فکری و فرهنگی، همتایی اخلاقی، همتایی جسمی و جنسی، همتایی اقتصادی و سیاسی، اجتماعی، تناسب در زیبایی و خانوادگی، تناسب سنی و علمی و هماهنگی روحی و روانی.

### د) اصالت خانوادگی

یکی دیگر از معیارهای انتخاب همسر توجه به اصالت خانوادگی فرد است و اگر فرد اصالت خانوادگی نداشته باشد بر پایه تقوا و دین تربیت نشده باشد، به طور قطع، ستونی لرزان و سست برای بر پا کردن خیمه خانوادگی خواهد بود. رسول خدا (ص)

فرمود: «ای مردم، از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده‌اند، بپرهیزید! گفتند: ای رسول خدا، منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمود: دختر زیبایی که در خانواده بد رشد کرده باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۳۲). ناگفته نماند که اصالت خانوادگی همسر تنها شرط نیست، بلکه یکی از شرایط است.

## ۲. مودت و مهرورزی

خدای تعالی انسان را طوری آفریده که وقتی نیازها و مصالح یکدیگر را تأمین کنند به تدریج رابطه عاطفی بین شان ایجاد می‌شود و رشد می‌کند. این عاطفه، به شکل نیرومند و به طور طبیعی، بین دو همسر به وجود می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در تأمین مصلحت کل خانواده ایفا کند. می‌توان گفت که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت اعضای خانواده به یکدیگر است که قرآن کریم در ابعاد مختلف به این مسأله پرداخته است:

### الف) تشویق برای بدست آوردن آرامش روحی و امنیت روانی

انسان جوپای انس و الفت است و در سایه محیط جمعی احساس آرامش روانی دارد این اساس را در شکل کامل‌تری در محیط خانواده و در پرتو حضور و الفت همسر تجربه می‌کند و خانواده از نظر قرآن محل امنیت و آرامش و سکون است و اضطراب، تشویق و بی‌اعتمادی در آن جایی ندارد:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا

(اعراف: ۱۸۹)؛ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و

همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید.»

این مسأله در قرآن کریم آن‌چنان از اهمیت برخوردار است که از آن به‌عنوان نعمت الهی یاد می‌کند که بین زن و مرد برقرار می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای

شما آفرید تا در کنار آنان آفرینش یابید و در میان تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

مفسران گفته‌اند مقصود از مودت در این آیه، دوستی و محبت و منظور از رحمت، نیز شفقت و مهربانی است. علامه طباطبائی درباره این آیه می‌نویسد: «هر یک از زن و مرد به تنهایی ناقص و محتاج به دیگری است و از مجموع آن دو، یک واحد که توانایی زاد و ولد دارد، به وجود می‌آید، به همین نقص و احتیاج است که هریک از این دو، به سوی دیگری حرکت می‌کند و هرگاه به او رسید آرامش پیدا می‌کند، زیرا هر موجود محتاج نیز تمایل دارد احتیاج خویش را برطرف نماید» (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۶: ۱۶۶).

منظور از جعل در این آیه، جعل تکوینی و جبر نیست بلکه منظور آن است که خدای متعال چنین مطالبه‌ای از همسران دارد که با دوستی و گذشت با یکدیگر برخورد کنند. هدف خداوند این است که چنین رابطه‌ای مهرورزانه و محبت آمیز میان زوجین برقرار گردد.

از این آیات به دست می‌آید که معنای آرامش همان چیزی است که انسان پس از اضطراب، خستگی و نگرانی و یا امنیت پس از خوف و ترس به دست بیاورد.

### ب) تشویق به مهرورزی و تقویت آن از طریق پاداش اخروی

از آنجا که محبت می‌تواند خانواده را از خطر اضمحلال حفظ کند به همین دلیل تشویق به مهرورزی و تقویت آن از طریق پاداش اخروی می‌نماید.

«قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّئْنَا عَذَابَ السَّمُومِ (طور: ۲۶-۲۷)؛ ما پیش از این در میان خانواده خودمان با شفقت بودیم، پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب جهنم نگاه داشت».

«اشفاق» به معنای عنایتی آمیخته با ترس است، چون مشفق نسبت به کسی که به او اشفاق دارد هم محبت دارد و هم می‌ترسد که مبادا بلایی متوجه او گردد، پس این کلمه هر وقت با حرف «من» متعدی شود، معنای ترس در آن روشن‌تر از محبت است،



و اگر با حرف «فی» متعدی گردد، معنای عنایت و محبت در آن روشن‌تر از ترس به ذهن می‌رسد. پس معنای آیه چنین می‌شود که ما در دنیا نسبت به خانواده خود اشفاق داشتیم، هم آنان را دوست می‌داشتیم و به سعادت و نجاتشان از مهالک و ضلالت‌ها عنایت داشتیم و هم از اینکه مبدا رفتار مهالک شوند می‌ترسیدیم و به همین منظور به بهترین وجهی با آنان معاشرت می‌کردیم و نصیحت و دعوت به سوی حق را از ایشان دریغ نمی‌داشتیم (ر. ک: طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۵).

### ۳. مسؤولیت‌پذیری اعضای خانواده

همین که فرد تشکیل خانواده می‌دهد، در حقیقت از حالت فردی خود را خارج می‌کند و وظایف و مسؤولیت‌هایی را می‌پذیرد که یکی از مهم‌ترین وظایف و مسؤولیت‌های یک فرد مسلمان، مراقبت و مواظبت بر ایمان یکایک اعضای خانواده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُدْهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها ست، نگه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند».

این آیه برای انسان مؤمن خطوط مسؤولیت او را ترسیم می‌کند تا او را از چارچوب فردیت خارج کند و به سوی خواسته‌های انسانی و دینی گسترده سوق دهد، یعنی به آنجا که اندیشیدن برای رهایی و رستگاری دیگران همچون جزئی از مسؤولیت او در زندگی به شمار می‌رود. به همین جهت است که امامان راهنما در تفسیر خود درباره این آیه کریمه تأکید کرده‌اند. سلیمان بن خالد گفته است: به امام صادق (ع) گفتم که مرا اهل بیته است که حرف مرا می‌شنوند، آیا آنان را به این امر بخوانم؟ گفت: «آری، خدای عز و جل در کتابش گفته است: (الآیه) (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۷۲).

از ابو بصیر روایت است که گفت: از ابو عبد الله (ع) در خصوص این آیه پرسش کردم که خودم را می‌توانم نگاه‌دارم و حفظ کنم، اهل خانه‌ام را چگونه حفظ کنم؟ گفت:

«آنان را به چیزهایی فرمان ده که خدا آنان را به آن فرمان داده است و از چیزهایی بازشان دار که خدا آنها را نهی کرده است، پس اگر فرمان تو را ببرند، آنان را حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانیت کنند، آنچه را که بر عهده تو بوده است به انجام رسانیده‌ای» (همان) و این روایت در این باره تأکید می‌کند که خواندن به سوی خدا مسئولیتی واجب بر مؤمن در محیط‌های خانواده (همسر و فرزندان) است، و بر او واجب است که همچون فرستاده‌ای از پروردگارش در آن جا باشد و آنان را به حق بخواند و از باطل نهی کند، و این که دعوت را قبول نکنند، مسئولیت را ساقط نمی‌کند، چنان که از امام صادق (ع) در این باره پرسیدند که: چگونه آنان را نگاه دارند؟

گفت: «فرمانشان دهید و نهیشان کنید»، گفتند: ما امر و نهی می‌کنیم، ولی آنان نمی‌پذیرند؟ گفت: «چون امر و نهی کنید، آنچه را که بر عهده شما بوده است انجام داده‌اید» (همان).

آنچه از این آیه استفاده می‌شود؛ تنها تأمین هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و... وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است. نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم کردن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۴، ۲۸۸).

در آیه دیگر مسئولیت نسبت به نماز اعضای خانواده مورد تأکید قرار گرفته است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (طه: ۱۳۲)؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش».

از این آیه بر می‌آید که نماز تنها یک عبادت فردی نیست که شخص آن را در برابر پروردگارش به جا می‌آورد. بلکه نماز علاوه بر عبادت یک کار اجتماعی هم هست. این معنی از دو کلمه «فرمانده» و «پای فشاری» دانسته می‌شود. کلمه نخستین دلالت بر ضرورت التزام جامعه به این عبادت دارد در حالی که کلمه دوم حکایت از آن دارد که نماز یک عمل ساده نیست و همراه با مشقت‌ها و رنج‌هاست، پس باید در استمرار آن صبر و پافشاری به خرج داد (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۰۹).

اخبار بسیاری از حضرت باقر (ع) از پدرش زین‌العابدین (ع) و از حضرت رضا (ع) رسیده که مفادش اینکه حضرت رسالت پس از نزول این آیه شریفه همه روزه وقت سحر و

صبح و شام می آمد درب خانه علی و فاطمه و حسن و حسین سلام می کرد و می فرمود: «الصلاه رحمکم الله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یتطهروکم تطهیرا» (عروسی حویزی ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۴۰۸).

در سوره لقمان نصیحت های لقمان به فرزندش درباره توحید، پرهیز از شرک، توجه به حیات اخروی، توصیه به اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر بر ناملایمات، تعلیم چگونگی برخورد با مردم و پرهیز دادن از رذایلی چون تکبر، فخرفروشی، نرم خویی، و نرم گویی با مردم از جمله توصیه هایی است که لقمان به فرزندش دارد، می تواند الگویی برای روابط مسؤولانه اعضای خانواده با یکدیگر باشد (لقمان: ۱۳-۱۹).

#### ۴. کنترل تمایلات جنسی و جهت دهی آن به سمت نظام همسری

مهم ترین عاملی که زن و مرد را به هم نزدیک می سازد و زندگی مشترک و پیوند آن دو را ایجاد می کند، غریزه جنسی است. مرد نیاز جنسی را تأمین می کند و متقابلاً زن هم نیاز جنسی مرد را برطرف می سازد و این نیاز تا حدود زیادی، پیوند دائمی یا طولانی آن دو را سبب می شود، تأمین این نیاز متقابل، مبنا و اساس بسیاری از احکام خانواده است به همین دلیل خدای تعالی برای تداوم این عامل تدابیری اندیشیده است:

#### الف) تشویق به ارضای صحیح تمایلات طبیعی و غریزه جنسی

حکمت الهی بر این است که قانون زوجیت بر سیستم حیات حاکم باشد که در حیوانات و انسان به صورت تماس جنسی و در گیاهان به صورت گرده افشانی و تلقیح می باشد: «أَوَلَمْ یَرَوْا اِلَى الْاَرْضِ کَمْ اَنْبَتْنَا فِیْهَا مِنْ کُلِّ زَوْجِ کَرِیْمٍ (شعراء: ۷)؛ مگر در زمین ننگریسته اند که چقدر در آن از هرگونه جفت ها زیبایی رویانندیم؟»

خدا در مورد زوجیت انسان می فرماید: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ اَزْوَاجِکُمْ بَنِیْنَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَکُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ اَبْطَالًا یَوْمِنُوْنَ وَ بِنِعْمَةِ اللّٰهِ هُمْ یَکْفُرُوْنَ (نحل: ۷۲)؛ و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از

همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید آیا (باز هم) به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند؟»  
این نیاز آن قدر در انسان شدید است که اگر مانعی بر سر راه ارضای طبیعی آن قرار بگیرد به هر قیمت ممکن تلاش می‌کند که آن مانع را برطرف نماید.

«أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّقْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِّلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۷)؛ در شب‌های روزه، همخوابگی با زنان با شما حلال گردیده است، آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید، خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون (در شب‌های ماه رمضان می‌توانید) با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید.»

در آغاز مسلمانان حق غذا خوردن و همبستری را در شب‌های ماه رمضان نداشتند. این آیه با به رسمیت شناختن این نیاز، این ممنوعیت را بر می‌دارد. قرآن زن و مرد را بدون دلیل موجه به نیاز طبیعی یکدیگر پاسخ ندهد ناشزه و مورد بازخواست قرار می‌دهد.  
«وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ مِ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ (نساء: ۱۲۸)؛ و اگر زنی از شوهر خویش، بیم ناسازگاری یا روی گردانی داشته باشد بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش بهتر است.»

### ب) ممنوعیت همجنس‌گرایی

هم‌جنس‌گرایی یا لواط، که در نظام طبیعت جز برای انسان دیده نشده است، حکایت از غیرطبیعی بودن آن دارد. این عمل، چه برای زنان و چه مردان، انحراف است و کیفر شدید الهی را در پی دارد. خداوند خطاب به قوم لوط که آلوده به زشت‌ترین گناه در

روابط جنسی (لواط) بودند، تذکر می‌دهد که زنان برای شما آفریده شده‌اند؛ چرا زنان را رها کرده و دنبال مردان می‌روید؟ آنان این تذکر را ناشنیده گرفتند:

«آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید  
 او هم جنس‌بازی می‌کنید؟ آیا این زشت و ننگ نیست؟ و همسرانی  
 را که پروردگارتان برای شما آفریده است، رها می‌کنید [حقاً شما  
 قوم تجاوزگری هستید] گفتند: ای لوط! اگر از این سخنان دست  
 برداری، به یقین از اخراج‌شدگان خواهی بود. لوط گفت: من دشمن  
 سرسخت اعمال شما هستم... سپس دیگران را هلاک کردیم و بارانی  
 [از سنگ] بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران اندازشدگان»  
 (شعراء: ۱۶۵-۱۷۳).

در این آیات، همجنس‌بازی آنان سبب رها کردن همسران‌شان شد و باعث گردید خانواده آنها از هم بپاشد و همین گناه بزرگ و عمل خلاف فطرت و مخالفت حکمت زوجیت، موجب فرود آمدن عذاب الهی شد.

### ج) ممنوعیت چشم دوختن به کامیابی دیگران

نگاه به زر و زیور، زندگی دیگران و چشم دوختن به کام‌جویی دنیاطلبان، شعله حسد و حرص و طمع را در دل آدمی برافروخته کرده، زندگی را به آتش می‌کشانند و آدمی را از سعادت در دنیا و آخرت محروم می‌سازد؛ به همین دلیل خداوند می‌فرماید:

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ  
 الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (طه: ۱۳۱)؛ و  
 هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی [ایا زنان  
 و مردانی] از کافران داده‌ایم، ندوز؛ اینها زیور زودگذر زندگی دنیاست تا  
 آنان را در آن بیازماییم و [بدان‌که] روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر  
 است.»

### د) حفظ عفاف و پرهیز از حریم‌شکنی و بی‌بند و باری

در قرآن مجید، به مردان سفارش شده است که پاک‌دامن باشند و از بی‌عفتی دوری کنند تا نظام خانواده به درستی و پاکی برقرار شود: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ أَلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (مؤمنون: ۱-۷)؛ و به راستی که مؤمنان رستگار شدند و همانا که پاک‌دامن‌اند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهش نیست؛ پس هر که فراتر از این جوید، تجاوزگر است».

در آیه دیگر به مردان دستور می‌دهد که با دارایی‌های خود همسران انتخاب نمایند تا پاک‌دامن باشند: «وَ أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ (نساء: ۲۴)؛ برای شما حلال است که با دارایی خود [زنانی را] اختیار کنید، در حالی که پاک‌دامن باشند و از زنا خودداری کنید».

### ۵. رعایت وظایف اخلاقی

در نظام اخلاقی قرآن هر یک از اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارای وظایفی هستند که با رعایت آنها، خانواده گرم‌تر و صفا و صمیمیت در میان آنان بیشتر و خانواده از پایداری بیشتر برخوردار خواهد شد. در اینجا فقط به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

#### الف) مهرورزی و مودت زن و شوهر نسبت به یکدیگر

از مهم‌ترین وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر، محبت و مهرورزی است. کانون خانواده براساس مهرورزی با قلب، زبان و عمل شکل می‌گیرد و بقا و استمرار آن نیز مرهون استمرار آن است؛ چنان‌که خدای تعالی می‌فرماید:

«از آیات و نشانه‌های ما این است که همسرانی از جنس شما برای شما آفریدیم تا در کنارشان آرامش داشته باشید و بین شما محبت و مهربانی قرار دادیم» (روم: ۲۱). رسول خدا(ص) فرمود: «گفتار مرد به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از دل او محو نمی‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹ج۷: ۱۰).

### ب) احسان و نیکی فرزندان نسبت به والدین

قرآن کریم، نوزده بار از احسان و نیکی به پدر و مادر سخن به میان آورده است و اهمیت آن، تا جایی است که پس از توحید و پرستش پروردگار، نیکی به پدر و مادر سفارش شده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (اسراء: ۲۳)؛ و پروردگارت فرمان داده است، جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید».

در قرآن، شکرگذاری از پدر و مادر، در کنار شکرگذاری از خداوند متعال یاد شده است: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِرَبِّكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (لقمان: ۱۴)؛ برای من و برای پدر و مادر شکر به جا آورید که بازگشت همه شما به سوی من است».

### ج) معاشرت پسندیده فرزندان با والدین

داشتن رفتار شایسته و پسندیده با پدر و مادر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که نگاه فرزندان به آنان باید با چشمی پر از رحمت و محبت، سخن گفتن با والدین، با زبانی سرشار از لطافت و ادب و رفتارشان باید سراسر خضوع و تواضع باشد.

خداوند می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ (اسراء: ۲۴)؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آور».

حتی اگر پدر و مادر مشرک باشند، وظیفه فرزند، بردباری و رفتار پسندیده با آنان می‌باشد؛ چنان‌که در قرآن مجید آمده است: «إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبِيهِمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا (لقمان: ۱۵)؛ و هرگاه آن دو [پدر و مادر] تلاش کردند که تو [براساس] آن چه آگاهی به آن

نداری به من شرک بورزی، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو به شایستگی رفتار کن.»

### د) محبت و دلسوزی والدین نسبت به فرزندان

محبت و دلسوزی پدر و مادر از مهم‌ترین وظایف اخلاقی آنان است و بر این اساس، تمام امکانات را برای رشد و تربیت فرزندان آماده می‌سازند و تمام تلاششان را برای حفظ آنان در خطر حوادث و توطئه‌های دشمنان و زنده بودن، به کار می‌گیرند؛ چنان‌که درباره مادر حضرت موسی (ع) آمده است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ (قصص: ۷)؛ و ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیرده و هنگامی که بر او ترسیدی وی را به دریا افکن، پس از آن، او را به دریا افکند.»

### ۶. رعایت حقوق متقابل

قرآن کریم برای اینکه در روابط خانوادگی اختلافات و کشمکش‌هایی پیدا نشود، برای هر یک از اعضای خانواده در قبال سایر اعضا، حقوق و وظایفی را معین کرده است، حقوق مشترک و اختصاصی میان زن و شوهر، حقوق متقابل میان والدین و فرزندان را معین کرده است. همانند اینکه در آیه ۲۳۳ سوره بقره، وظیفه مادری را به طور تکوینی و تشریحی بر عهده زن گذاشته است، این حق را هم به او داده است که به فکر معاش نباشد، مخارج خوراک و پوشاک و نیازهای زندگی او را بر عهده مرد گذاشته است:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا (بقره: ۲۳۳)؛ مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند، این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شد



(پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته در مدت شیردادن بپردازد».

## ۷. کاهش اختلاف‌های خانوادگی

یکی از عوامل سست کننده پایه و اساس خانواده، دعواها و اختلافات زن و شوهر است، غرورهای کاذب، توقع‌های نا به جا، به رخ کشیدن عیب‌ها، نداداری‌ها، خودپسندی‌ها، هوس‌بازی‌های بی حساب، بی توجهی به وضعیت و اوضاع همسر و... شیرینی زندگی را در کام انسان به تلخی زهر تبدیل می‌کند که در بعضی از موارد صبر و تحمل یکی از دو طرف به پایان می‌رسد و اقدام به طلاق و خودکشی می‌کنند.

از نظر قرآن برای اینکه این گونه اختلافات پدید نیاید به زن و شوهر دستور می‌دهد بدی‌ها، زشتی‌ها و عیب‌ها یکدیگر را بیوشانند و اسرار یکدیگر را حفظ کنند و زینت یکدیگر باشند: «هِنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید).

نیز به مردان دستور داده است که با همسر خود با اخلاق نیکو رفتار کنند و اسباب آرامش او را با رفتار خود فراهم آورند: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹)؛ و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید». در احادیث نیز به این مسأله سفارش شده است. رسول خدا (ص) فرمود:

«اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً و الطفهم باهله (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳: ۹۸)؛ کامل‌ترین ایمان از آن مؤمنی است که خوش خلق‌ترین مؤمن است و به خانواده اش از همه مهربان‌تر است». زن همچون مرد وظیفه دارد به همسر خود وفادار باشد، از شوهر خود اطاعت کند، پاکدامن باشد و بد رفتار او را تحمل کند.

رسول خدا (ص) فرمود: «زن هرگاه نماز و روزه واجب خود را انجام دهد و پاکدامنی کند و شوهرش را اطاعت نماید، به بهشت پروردگارش وارد خواهد شد (همان). نیز فرمود: «زنی که بر بد خلقی شوهرش شکیبایی کند، خداوند پاداشی همچون آسیه همسر فرعون به او خواهد داد» (همان).

## ۸. حل عاقلانه و عادلانه اختلافات

در زندگی خانوادگی ممکن است اختلافاتی پیش آید که با هم‌فکری و مشورت نتوان به نتیجه قطعی رسید. تداوم چنین وضعی می‌تواند به اساس خانواده لطمه جبران‌ناپذیری وارد سازد. قرآن در چنین موردی مرد را به‌عنوان سرپرست خانواده معرفی کرده است «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (نساء: ۳۴)؛ و اگر شرایطی پدید آید که مرد نتواند مشکلات و اختلافات پیش آمده را حل کند، در چنین شرایطی به منظور حفظ حریم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن، اصل صلح و سازش را مطرح کرده است: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ (نساء: ۱۲۸)؛

و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید). و صلح، بهتر است».

اگر با هیچ یک از راه‌های سابق، مشکلات و اختلافات خانوادگی حل نشد، اسلام توصیه می‌کند که از افراد با تجربه و خیر خواه استفاده شود و آنها حکمیت میان همسران را بر عهده بگیرند: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (نساء: ۳۵)؛ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند زیرا خداوند، دانا و آگاه است و از نیات همه، با خبر است. اگر به هیچ صورتی نتوانستند کانون خانواده را حفظ کنند و از فروپاشی آن جلوگیری نمایند، آخرین راه حل مورد تأیید قرآن، طلاق و جدایی عادلانه است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ

نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (طلاق: ۱-۲)؛ ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گویید [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند! و چون عدّه آنها سرآمد، آنها را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید و شهادت را برای خدا برپا دارید این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند».

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خانواده از نظر قرآن کریم نهاد مقدسی است که همگان را دعوت به تشکیل آن نموده است و برای پایداری و استحکام آن، تدابیری اندیشیده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. رعایت معیارهای انتخاب همسر که مهم‌ترین آنها، پارسایی و دینداری، آراستگی به فضایل اخلاقی، همتایی و تناسب و اصالت خانوادگی می‌باشند.
۲. محبت و مهرورزی زن و شوهر نسبت به یکدیگر که در ابعاد مختلف به آن پرداخته است.

۳. مسؤولیت پذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مخصوصاً پدر نه تنها در تغذیه، رفاه و پوشاک، بلکه در تغذیه روحانی و مراقبت بر تعلیم و تربیت آنان است.

۴. کنترل تمایلات جنسی برای جلوگیری از انحرافات جنسی که مهم‌ترین آنها عبارتند از ارضای صحیح تمایلات طبیعی و جنسی، ممنوعیت هم‌جنس‌گرایی، ممنوعیت چشم‌دوختن به کامیابی دیگران و رعایت عفاف و حجاب.

۵. رعایت وظایف اخلاقی که مهم‌ترین آنها عبارتند از مودت و مهرورزی اعضای زن و شوهر نسبت به یکدیگر، احسان و معاشرت پسندیده فرزندان نسبت به والدین و دلسوزی و لادین نسبت به فرزندان.

۶. رعایت حقوق اعضای خانواده مخصوصاً حقوق متقابل زن و شوهر نسبت به یکدیگر.

۷. کاهش اختلافات خانوادگی؛ قرآن کریم برای جلوگیری از اختلافات به هریک از زن و شوهر دستور می‌دهد که بدی‌ها، زشتی‌ها و عیب‌های یکدیگر را بپوشانند و به مردان سفارش می‌کند که با همسرانشان با اخلاق نیکو رفتار نمایند.

۸. قرآن کریم برای حل اختلافات خانوادگی مردان را به‌عنوان سرپرست خانواده معرفی کرده و اگر شرایطی پدید آید که مرد نتواند مشکلات خانواده را حل کند، اصل صلح و سازش را مطرح می‌کند اگر با هیچ‌یک از راه‌حل‌های یادشده، مشکلات حل نشد، دستور می‌دهد که از افراد با تجربه و خیر استفاده شود و حکمیت میان همسران را بر عهده گیرد در غیر این صورت، طلاق را آخرین راه حل می‌داند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

نهج البلاغه. (۱۳۸۳). ترجمه دشتی. قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

ابن‌شعبه حرانی. (۱۳۶۳). *تحف العقول*. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.

امینی، ابراهیم. (بی‌تا). *جوان و انتخاب همسر*. چاپ ششم. تهران: شرکت چاپ و

نشرین الملل.

- تفسیر هدایت. (۱۳۷۷). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- جعفری محمد تقی. (۱۳۸۴). *قرآن نماد حیات معقول*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حراعلی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- راغب اصفهانی. (بی‌تا). *مفردات الفاظ القرآن*. تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- شریفی، عنایت‌الله. (۱۳۹۰). *اخلاق زندگی*. قم: چلچراغ.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۰). *اخلاق قرآنی*. قم: هجرت.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن شاذان. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. چاپ سوم. تهران: ناصرخسرو.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *نورالتقلین*. چاپ چهارم. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فتحعلی خانی، محمد. (۱۳۷۹). *آموزه‌های بنیادین علم اخلاق*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- فخرالدین رازی. ابو عبد الله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی. (بی‌تا). *معجه البیضاء*. تصحیح علی اکبرغفاری. قم: النشرالاسلامی.
- قمی علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیرقمی*. قم: مؤسسه دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تصحیح و تحقیق علی اکبرغفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مشکینی، علی. (۱۳۸۲). *درس‌های اخلاق*. ترجمه علی‌رضا فیض. چاپ سوم. قم: انتشارات پارسایان.
- \_\_\_\_\_ . (بی‌تا). *از دواج در اسلام*. قم: نشر والعصر.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *اخلاق در قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). *مسأله حجاب*. چاپ نهم. تهران: انتشارات صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). *اخلاق جنسی*. چاپ دهم. تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین. (۱۳۶۴). *خانواده در اسلام*. قم: انتشارات شفق.
- مظاهری، علی اکبر. (۱۳۸۲). *جوانان و انتخاب همسر*. چاپ نوزدهم. قم: انتشارات پاراسایان.
- مکارم شیرازی و همکاران. (۱۳۷۷). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب اسلامی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۶۱). *معراج السعاده*. تهران: رشیدی.
- نراقی، ملا محمد مهدی. (۱۴۰۸). *جامع السعادات*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.